

ایران کشور بیکاران و نا امنی شغلی

و ضرورت سازماندهی مبارزات جاری طبقاتی در ایران

امیر جواهری نگرودی

خمینی : ما برای خربزه انقلاب نکرديم! انقلاب ما ، انقلاب کار و مسکن نبود، انقلاب مادی نبود. ما برای مادیات نبوده که انقلاب کردیم . انقلاب ما یک انقلاب صد درصد عقیدتی الهام گرفته از اسلام و قرآن مقدس بود... مادامیکه مشکلات ، مسائل و نارضایتی های موجود ذهن عزیزان ما را به خود مشغول کند ، همینطور خدا را شکر کنیم که اسلام حکومت دارد... یا اینکه هیچ عاقلی نمیتواند تصور کند که بگویند ما خونهایمان را دادیم که خربزه ارزان بشود! ما جوانهایمان را دادیم که خانه ارزان بشود. هیچ عاقلی جوانش را نمیدهد که خانه ارزان گیرش بیاید.



بر پایه همین عبارات خمینی و تفسرش از انقلاب ؛ همه سردمداران نظام اسلامی بر آندند :

مالکیت محترم است و امنیت شغلی برای همه محفوظ است و لذا پول دار بودن و سرمایه دار باقی ماندن ممنوعیت ندارد و باید سرمایه ها بکار گرفته شود. جدا از این در این نظام، حلال و حرامی هم وجود دارد که باید رعایت شود.

اموال مشروع مال هر کسی باشد ، محترم است و امنیت هم دارد اما اگر اموالی از طریق اختلاس، کلاهبرداری، غصب ، دزدی ، سوء استفاده از مقام و سایر امور نامشروع بدست آمده باشد، از صاحبان شان گرفته می شود و به نفع نظام مصادره می گردانند . چنانچه این نگاه را در وضعیت جامعه تسریع بخشیم در می یابیم که در نظام اسلامی ، چابیده شدن اکثریت جمعیت محروم توسط مشتی مال اندوز و سوداگر، در استثمار ماندن کارگران توسط سرمایه داران ممنوعیت ندارد.

خمینی در همان اوایل در جمع دانشجویان پیرو خط امام می گوید : « آن چیزی که برای ما ارزش دارد اسلام است. .. ما برای شکممان قیام نکرديم... ما از انزوا نمی ترسیم. استقبال هم می کنیم. اما ما منزوی نیستیم. شما خیال می کنید ما منزوی هستیم» (۱) باز هم خمینی در جمع کارکنان پخش رادیو اینگونه افاضات می فرمایند : « من نمیتوانم تصور کنم، هیچ عاقلی نمیتواند تصور کند که بگویند ما خون هایمان را دادیم که خربزه ارزان بشود، ما جوانهایمان را دادیم که خانه ارزان بشود، این منطق باطلی است که شاید کسانی انداخته باشند، مغرض ها انداخته باشند، توی دهن های مردم که بگویند ما خون دادیم که مثلا کشاورزی مان چه بشود. آدم خودش را به کشتن نمیدهد که کشاورزی اش چه بشود. همه دیدید که تمام قشرها ، خانم ها ریختند توی خیابان ها ، جوان ها ریختند توی خیابان ها، در پشت بام ها در کوچه و برزن و همه جا، فریادشان این بود که اسلام میخواهیم، برای اسلام است که انسان میتواند جانش را بدهد، اولیا ما هم برای اسلام جان دادند نه برای اقتصاد، اقتصاد قابل این نیست. آن هایی که دم از اقتصاد می زنند و زیربنای همه چیز را اقتصاد میدانند از باب اینکه انسان را نمیدانند یعنی چه، خیال میکنند انسان یک حیوانی است که همان خورد و خوراک

است. منتها خورد و خوراک این حیوان با حیوانات دیگر یک فرقی دارد. این چلوکباب میخورد، او گاه میخورد. اما هر دو حیوانند، اینهایی که زیربنای همه چیز را اقتصاد میدانند، اینها انسان را حیوان میدانند. حیوان هم همه چیزش فدای اقتصادش است. زیر بنای همه چیزش، الاغ هم زیر بنای همه چیزش اقتصادش است.» (۲) و از اینگونه تراوشات حول مباحث اقتصادی نقل قول های زیادی از او است که آخرینش آمده است: «ما برای خربزه، انقلاب نکردیم!»

همین نگاه خمینی وسیله شد که حاکمان بجا مانده بعد از او که نزدیک به چهاردهه بر مستنداند، نشان می دهند: مستضعف پناهی اینان بی پایه است و استثمار، بهره کشی و ثروت اندوزی یک اقلیت مفتخور، از عرق جبین اکثریت کارگران و زحمتکشان، اموری حلال و کاملاً مشروع شناخته شده است!

در نظام اسلامی، بمانند سرمایه داری متعارف در سطح جهان عمل نمی شود بلکه به شیوه انگلی و عصر شترچرانی، برپایه دلالی و دزدی ها یا همان احتلاس های میلیاردی از دل بانکداری اسلامی و عرصه کار بنگاهی، تماماً امنیت شغلی را از کارگران سلب می نمایند. امروز در ایران ۹۰ درصد قراردادهای کارگران بشکل موقت و از زیر یک ماه شروع تا کاغذ های بی نشان و سفید امضاء و قرارداد های تضمینی بر کارگران ما تحمیل می گردد. کارگری که قرارداد اجاره مسکن اش یک ساله است، اما قرارداد کاری او زیر یک ماه و سفید امضاء است، چگونه می تواند از امنیت شغلی خود حرفی به میان آورد؟ فراتر از این، امروز برپایه خبرهای منتشره و گفتگوهای بی پروای کارگران در سطح شبکه های مجازی، حدود ۹۴ درصد از کل قراردادهای کار بسیار کوتاه مدت است. این روند روز به روز در حال افزایش است و بقیه کارگران هم که در سنین بالا هستند، به تدریج که بازنشسته می شوند و قراردادهای موقت جایگزین آن می شود و طولی نخواهد کشید که نزدیک ۱۰۰ درصد قراردادهای موقت خواهد شد. قراردادهای موقت موجب تعطیلی بخش قابل توجهی از قانون کار شده است. قانون کار در اکثر حوزه ها نداریم زیرا اجرای آن با دشواری های فراوان مواجه است. در چنین وضعیتی آیا می تواند بدون استرس کار انجام داد؟ هیچ کدام از مدعیان اسلام ناب محمدی، نمی توانند برای میلیون ها بیکار جامعه ما نقشه و برنامه و راهنمای عمل کارسازی فراهم سازند.

نظام اسلامی برای کاهش دستمزد کارگران، به ایجاد رقابت در بازار کار، یعنی به ایجاد بیکاری احتیاج دارند. تا زمانیکه نظام و نظم سرمایه داری در ایران حاکم باشد. کارگران نمی توانند از امنیت شغلی برخوردار باشند و خطر بیکاری همواره بالای سر آنها خواهند بود.

بیکاران امروز، کارگران دیروزند:

اینکه در ایران ما با نیروی ذخیره کار و ارتش میلیونی بیکاران روبرو هستیم، بیش از هر چیزی محصول فرایند شکستهای اقتصادی و سیاست تعدیل نیروی کار بود که از فردای پایان جنگ و دولت سازندگی در جامعه بکار گرفته شد و طی دولت ها یگوناگونی برپایه سیاستهای اقتصادی نولیبرالی دامن گستر تر گردید.

بخش وسیعی از نیروهای میلیونی بیکاران امروزی، در واقع کارگران دیروزی اند که برپایه سیاست های اقتصادی نولیبرالی اعمال شده از کار بیکار شده و همه مبانی زندگی آنان خاصه حداقل امنیت شغلی دیروزشان، با بیکار شدن، امروز به خطر افتاده است.

آمارهای تاحال اعلام شده در نظام اسلامی با اینکه هیچ واقعی نیست ولی واقعیت عینیت بیکاری را به تصویر می کشد. در هر نظامی افزایش اشتغال در برابر رشد بیکاری در همان نظام، به عنوان یکی از شاخ های توسعه یافتگی جوامع خواهد بود. در این رابطه خبرگزاری دولتی مهر اعلام داشته است: «در دوازده سال گذشته، ۳ دولت نهم، دهم و یازدهم مدیریت اجرایی کشور را در دست داشتند و این مدت، در سه بازه زمانی سال های ۸۴ تا ۸۸ (مدیریت دولت نهم)، سال های ۸۸ تا ۹۲ (مدیریت دولت دهم) و سال های ۹۲ تا ۹۶ (مدیریت دولت یازدهم) قابل تقسیم بندی است. بر این اساس، نرخ بیکاری کل کشور در دولت نهم، از ۱۱،۵ درصد در سال ۸۴ آغاز شد و در سال ۸۵، به ۱۱،۳ درصد، در سال ۸۶ به ۱۰،۵ درصد و در سال ۸۷ نیز به ۱۰،۴ درصد رسید تا اینکه نرخ بیکاری ۱۱،۵ درصدی در ابتدای دولت نهم به ۱۰،۴ درصد در سال پایانی این دولت برسد.» (۳)

تازه این همه واقعیت نیست، در ایران میلیون ها تهیدست خانه خراب روستایی بدلیل بحران آب و خشکسالی مداوم و برآمد های وحشتناک محیطی مجبورند، زمین های کشاورزی خود را رها کنند و به امید یافتن لقمه نانی، روستاها، زاغه ها،

حصیر آبادها، حلبی آبادها، گودهای حاشیه شهرها را رها کرده و سرگردان مانده و بطور مستمر راهی شهرهای دور و نزدیک روستاهای خود گردند. راهی بی بازگشت که خود دامن زنده وسعت بحران های ادواری برای جامعه ما شده و خود دامن زنده رشد بیکاری حاصل از این جابجایی ها در سطح روستاها و خود شهرها می گردد.

گفتنی است مادامیکه نظام در ورطه ورشکستگی و بحران های گوناگون ادواری است؛ این توده عظیم تهیدست از حق کار محروم مانده و امنیت شغلی نخواهد داشت. رژیم اسلامی طی سالهای پشت سر گذاشته بخش بزرگی از کارخانه های کشور را تعطیل یا نیمه تعطیل کرده و طرح بیکارسازی منظم را در چهارچوب همان سیاست اصلاح اختاری و تعدیل نیرو به پیش برده و میلیون ها کارگر شاغل دیروزی را بیکارساخته است. بطوری که امروز عفريت بیکاری، گروههای گسترده ای از مردم را به کام فلاکت، سیه روزی کشانده و امنیت شغلی برای هیچ یک از نیروهای عظیم بیکار شده، محلی از اعراب نخواهد داشت!

زنان و دانشجویان فارغ التحصیل و بیکاری:

در ایران اسلامی، رژیم مذهبی در مخالفت با کار زنان در خارج از منزل، خاصه محیط های کارگری و اداری، با پیاده کردن برنامه خانه نشین کردن تدریجی زنان از فردای بهمن به اینسو و با صدور گام به گام بخشنامه های مختلف برای منع استخدام زنان و یلا اخراج برنامه ریزی شده و منظم زنان شاغل را به دلایل فوق ارتجاعی و به بهانه های واهر از بن دندان قرون وسطایی، نیمی از جمعیت کشور را از امنیت شغلی محروم کرده اند.

در ایران اسلامی، رژیمی مذهبی برسرکار است که نه تنها حق اشتغال در مشاغل دولتی و رسمی را از غیر مسلمان ها سلب کرده، بلکه با مبنا قرار دادن معتقدات افراد و با ایجاد انواع شبکه های جاسوسی و خبر چینی نظیر؛ انجمن های اسلامی، بسیج اداری و کارگری، حراست و ... صدها هزار تن از آموزگاران، دبیران، استادان دانشگاهها، هنرمندان، پزشکان، مهندسان، پرستاران و مدیران نامسلمان و غیره ... را بخاطر عقاید سیاسی و داشتن مذهب و مرام غیر شیعی و مخالفت با آنان، بخش اعظم شان مشمول تصفیه های ایدئولوژیک شده و از کار برکنار شده اند.

جوانان تحصیل کرده ای که تا به امروز به بازار کار راه نیافته اند برای ادامه تحصیل با سعی و کوشش و باقی مانده دارای خانواده یا راهی خارج از مرزها می شوند و یا خود را به انواع و اقسام پروژه های زود بازده و طرح های اشتغال زاهی بی مایه نظام مشغول می دارند. مشغولیتی که هیچ سطح از امنیت شغلی آنان را برای ادامه زندگی و تشکیل خانواده پاسخگو نیست!

نتیجه گیری :

در جامعه کارگری ایران؛ اهمیت افت شدید امنیت شغلی از این جهت است که بدانیم وقتی که ۹۰ درصد از کارگران دارای قرارداد موقت هستند و حدود ۹۴ درصد از کل قراردادهای کار، بسیار کوتاه مدت است یعنی بیش از ۵۰ درصد از کل شاغلان کشور در وضعیت کاملاً نامناسب امنیتی به لحاظ شغلی قرار دارند. همچنین باید بدانیم که ۹۰ درصد کارگران دارای قرارداد موقت تنها در بخش نیروهای ثبت شده در سیستم بیمه ای کشور فعالیت دارند، یعنی حدود یازده (۱۱) میلیون نفر در معرض بهره وری پایین، ناتوانی در برنامه ریزی برای آینده، سردرگمی شغلی و عدم احساس تعلق به بنگاه قرار دارند. از همین رو قرار گرفتن ایران در یکی از پایین ترین جایگاه های دنیا به لحاظ بهره وری نیروی کار تعریف می گردد. همه دولت ها در بحث موقت شدن قراردادهای بازار کار کشور تا به امروز نقش مستقیمی ایفا کردند به عبارتی این دولت ها بودند که با سهل انگاری در اجرای قانون کار مثله شده موجود در بازدهی امنیت شغلی نیروی کار، برخی کارفرمایان را به این فکر انداختند که با قرارداد موقت شرایط ویژه ای را در بازار کار کشور به وجود آورند و رونق اقتصادی را به نفع جیب های گشاد خود بدوزند. در دوره احمدی نژاد تلاش برای تعطیلی به یکباره قانون کار و بعد از وی دولت به اصطلاح "تدبیر و امید"، علیرغم های و هوی فراخوان شخص حسن روحانی، هیچ تمایلی به اصلاح قانون کار صورت نگرفته است. فاجعه بار است که بنویسم؛ در پیش نویس دولت سابق درباره اصلاح قانون کار که به مجلس ارائه شده بود، بحث امضاء قراردادهای شفاهی وجود داشت. که عمق فاجعه بحران امنیت شغلی در ایران را برای کارگران حین کار و کل توده بیکاران را نشان می دهد.

در ایران امنیت شغلی تنها و تنها برای سرمایه داران، اختلاس گران، غارتگران، رانت خواران، ویژه خواران، دزدان بزرگ، پولداران، چپالگران، سوداگران، آقازاده ها، ژن های برتر، مافیای سپاهی و بسیجی و آیت الله های شکرخوار، برنج خوار، ماهی خوار و این اواخر زمین خوار و غیره ... محفوظ خواهد ماند!

آنگاه که همه این جماعت لیست شده در حفاظت همه جانبه نظام فخریه اسلام محمدی و زیر چتر آقا قرار دارند، صحبت از کارگران و بیکاران و امنیت شغلی برای آنان طلب نمودن ادعای دروغین و عوامفریبانه و بی پایه برای فریفتن مردم خواهد بود. در این میان همه این جماعت یاد شده ؛ امنیت شغلی کارگران را مساله ای در حاشیه امنیت تقویت سرمایه و چرخه سرمایه داری می بینند .

رودررویی جبهه کار و سرمایه، برای همه نیروهای اردوی کار اعم از توده کارگران و نیروی میلیونی بیکاران راهی جز سازمانیابی و متشکل شدن در پایگان خویش در محیط کار و محیط زیست شان نیست. حقیقت این است که در شرایط کنونی کشور ما ، بدون خواست تأمین اجتماعی همگانی ، بخش های مختلف کارگران و زحمتکشان ایران نمی توانند باهمدیگر گره بخورند و به تشکلی مستقل و سراسری دست یابند. مبارزه برای سراسری شدن تشکل مستقل کارگران و زحمتکشان و تشکل مستقل بیکاران برای دست یابی به کار یا شعار بازگشت برسر کار به عنوان خواست مشترک ، بی واسطه و قابل لمس برای همه زحمتکشان ایران نیازی عمومی و همگانی است . این خواست مشترک و این پرچم متحد کننده ، بی هیچ تردید ، خواست تأمین اجتماعی و امنیت شغلی همگانی است. برافراشتن این پرچم متحد کننده ، البته به شناخت روشنی از موانع و همچنین شرایط مساعدی نیاز دارد که هم اکنون در برابر کارگران و زحمتکشان ایران قرار دارند. برای توده کارگران مبرهن است که بخش اعظم مشکلات اقتصادی و معیشتی کارگران و زحمتکشان ما ناشی از عوامل کلان اقتصادی است که تا جمهوری اسلامی پابرجاست ، همچنان پا برجا خواهند بود. بعلاوه هر بهبودی هم که در شرایط اقتصادی کشور به وجود بیاید ، تغییر مهمی در شرایط فلاکت بار زندگی کارگران و زحمتکشان ایجاد نخواهد شد ، زیرا همه جناح های جمهوری اسلامی ، علیرغم همه اختلافات شان ، رونق کار خود را در تشدید بهره کشی از نیروی کار کشور می بینند. بنابراین کارگران و زحمتکشان ایران نباید در انتظار "وعده های سرخرمن" مانند "اقتصاد مقاومتی" یا برداشته شدن تحریم های بین المللی و ایجاد رونق اقتصادی ، فرصت های مبارزه برای خواست های شان از دست بدهند. باید یاد آور گردم : در شرایط کنونی که جنگ جناحی در درون جمهوری اسلامی شدت یافته و دستگاه ولایت و دار و دسته های تحت امر رهبر می کوشند خود را مدافع "مستضعفان" و "کوخ نشینان" جا بزنند ، شاید این بودیم که خیزش توده ای دی ماه ۱۳۹۶ در بیش از ۱۰۰ شهر کشور در ده روزی که ایران را تکان داد ، نشان داد که خواست مردم همواره نان ، رفاه ، آزادی ایست . استمرار این چنین مبارزه ای می تواند هم پژواک گسترده تری داشته باشد ، هم مچ عوام فریبان و مفتخواران دستگاه ولایتی را در کل جامعه باز شماساند و هم با طرح های نئولیبرال های اسلامی به مقابله برخیزد . تحرک نوپای " دختران خیابان انقلاب " ستایش همگانی را در سطح سراسری در درون و برون کشور برای مقابله با خواست عقب مانده "حکومت امام زمان" برسر ستیز بلاخیز با زنان و خواست آزادی آنان تمامی تناقضات درونی این نظام ضد کارگر و ضد زن را تشدید خواهد کرد

پایان بخشیدن به پراکندگی ها و عدم تشکل یابی ، جدا سری نیروی کار و کارگری در پهنه اجتماعی ما، بزرگترین عامل عدم موفقیت کارگران در وصول مطالبات خویش و خاصه پیکره بدست آوردن ره آوردهای تأمین اجتماعی و تضمین امنیت شغلی یکایک آنان است که در آستانه یک بهمن دیگر در چهارمین دهه انقلاب ۵۷ به اینسو، همچنان برحوزه امنیت شغلی و گسترش ناامنی برای زندگی یکایک آنان سنگینی می کند. باید و می توان براین مشکل فائق آمد آنگاه که متشکل گردیم و ریشه جدا سری و انفراد را بخشکانیم !!

منابع :

(۱) - سخنرانی در جمع دانشجویان پیرو خط امام، سروش، شماره ۷۵، ۱۷ آبان ۵۹، ص ۶-۸

(۲) - سایت : " ناگفته های انقلاب ۵۷ "

<https://enghelab57.wordpress.com/2008/02/01>

(۳) - خبرگزاری دولتی ایسنا ، محمد جندقی ، جمعه ۲۵ فروردین ۱۳۹۶

<http://www.mehrnews.com/news/3952066>